

دوفصل نامه علمی - ترویجی سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام

سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

صفحات ۹۷ - ۱۱۲

چگونگی شهادت فرزند کوچک امام حسین علیه السلام

علی اکبر عباسی^۱

زهرا سادات کشاوری^۲

چکیده

تیر خوردن نوزاد امام حسین علیه السلام در واقعه طف از زبان راویان در مقاتل نخستین به شکل های گوناگون گزارش شده است. فلسفه حضور این نوزاد در خط مقدم جنگ، هویت قاتل کودک و چگونگی کشته شدنش همواره مورد توجه شیعیان بوده است. این پژوهش با تحلیل تاریخی به دنبال پاسخ به این پرسش است که ماجرای کشته شدن نوزاد امام حسین علیه السلام چگونه بوده است؟ این نوزاد شیرخوار که از قرن ششم به نام علی اصغر معروف شده، در روز عاشورا با اصابت تیر از سوی شخصی ناشناس احتمالاً از قبیله بنی اسد به قتل رسیده است. چگونگی شهادت نوزاد و هویت قاتل در مقاتل نخستین و منابع متأخر متفاوت است. در مقاتل نخستین، دیدار امام با نوزاد تازه متولد شده، اظهار دلتنگی و وداع با فرزند خردسال ذکر شده است اما درخواست آب برای نوزاد در قرون بعد به ماجرا افزوده شده است. همچنین در منابع متأخر بدون ذکر سندی نام قاتل حرمله بن کاهل اسدی ذکر شده است. خبر ماورایی پاشیدن خون کودک به سوی آسمان و برنگشتن آن نیز اولین بار در قرن چهارم از راوی نامشخص ذکر شده و به تدریج در مقاتل قرون بعدی تفصیل یافته است.

کلیدواژه ها: امام حسین علیه السلام، حرمله بن کاهل اسدی، علی اصغر، قیام عاشورا، کربلا.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان. aa_abbasi_z@yahoo.com

۲. دکتری تاریخ تشیع دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). zahra.sadat.keshavarz@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۰۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۰۲

درآمد

تیر خوردن طفل شیرخواره امام حسین علیه السلام از حوادث تأمل برانگیز واقعه کربلاست. دایره‌المعارف‌ها، کتاب‌ها، دانشنامه‌ها و مقالات بسیاری درباره امام حسین علیه السلام و قیام عاشورا نوشته شده است، اما درباره نوزاد امام حسین علیه السلام تحقیق مستقل و مفیدی انجام نشده است. رنجبر (۱۳۸۵) در مقاله «پژوهشی درباره نام، سن و کیفیت شهادت طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام بدون در نظر گرفتن تقدم و تأخر منابع، تصویری عمومی از این موضوع ارائه کرده است. سلیمانی بروجردی (۱۳۸۹) در کتاب «تحقیقی جامع پیرامون سه طفل شهید سیدالشهداء» تلاش کرده است تا اثبات کند در روز عاشورا سه فرزند امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند. بارانی و علمدار (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی تطور گزارش‌های تاریخی شهادت کودک امام حسین علیه السلام از آغاز تا پایان قرن پنجم» معتقدند منابع راهی برای شفاف‌سازی نام و سن کودک نمی‌کشایند. علوی علی‌آبادی (۱۳۹۷) در مقاله «بازشناسی طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام در مقاتل و منابع» عواملی مانند شهود عارفانه و مکاشفات، شیوع و اشتها، نقل‌های سینه به سینه و غیره را از مهم‌ترین عوامل اختلاف در اخبار طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام برمی‌شمارد. میرشاهی (۱۳۹۷) در مقاله «بازتاب شهادت حضرت علی اصغر علیه السلام در تاریخ‌نگاری عاشورا (با تکیه بر منابع عصر حاضر)» و رنجبر حسینی و فرح‌زادی (۱۳۹۷) در مقاله «منطق خون در قیام امام حسین علیه السلام با نگاهی برگشته شدن علی اصغر علیه السلام»، تنها به بحث درباره نام و سن طفل شیرخوار اباعبدالله الحسین علیه السلام پرداخته‌اند و در ادامه به صورت گذرا به کیفیت شهادت این طفل اشاره دارند. تنها نقطه اشتراک این تحقیق با تحقیقات مشابه که قبلاً انجام گرفته است که همه بر روی شفافیت‌سازی سن و نام کودک امام حسین علیه السلام تأکید کرده‌اند و در مورد مسائلی مانند چرایی اقدام حسین بن علی علیه السلام از بردن طفل یا نوزاد معصوم به جلوی لشکر دشمن، چگونگی کشته شدن او و به‌ویژه درباره اخبار ماورائی مطرح شده درباره «پاشیدن خون او به سوی آسمان و برنگشتن آن» سخنی به میان نیاورده‌اند.

این پژوهش با روش تحلیلی، با مراجعه به قدیمی‌ترین مقاتل و تک‌نگاری‌ها، در صدد یافتن پاسخ صحیح، مستند و مستدل، درباره چگونگی کشته شدن فرزند کوچک اباعبدالله الحسین علیه السلام است.

فراوانی نام علی در بین فرزندان پسر امام حسین علیه السلام

در برخی منابع نام این نوزاد با برادرانش خلط شده است. تعداد فرزندان امام حسین علیه السلام به

نسبت فرزندان برادرش «حسن» کمتر بود. درباره این که به چه دلیلی تعداد فرزندان امام حسین علیه السلام کمتر بوده‌اند حکایات و داستان‌هایی مطرح شده‌است. از جمله علی بن حسین علیه السلام معروف به امام سجاد علیه السلام، در پاسخ به کسانی که از چرایی کمی فرزندان پدرش می‌پرسیدند، فرمود: تمایل به عبادت و زهد زیاد او را از توجه به زنان بازمی‌داشت. در همین رابطه داستانی افسانه‌ای در مورد همسری شهربانو با امام حسین علیه السلام مطرح شده‌است.^۱ در کتاب *قابوس‌نامه* آمده است: «چون امیرالمؤمنین حسن بن علی رضی الله عنه بگذشت، پرسید و گفت در خور من است ولی بسیار نکاح است، نخواهم. چون امیرالمؤمنین حسین رضی الله عنه بگذشت از او پرسید و بدانت و گفت شوی من او بایست باشد. دختر دوشیزه را شوی دوشیزه بایست، هرگز من شوی نکرده‌ام و او زن نکرده است» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۶: ۱۳۸). نام بیشتر فرزندان حسین بن علی علیه السلام که با اختلاف مختصری در منابع متقدم ذکر شده علی است. دینوری از علی اکبر، علی اصغر و عمر به عنوان فرزندان پسر امام یاد کرده و در مقتل خویش به کشته شدن علی اکبر در کربلا تصریح کرده‌است (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶). او در ذکر واقعه عاشورا می‌نویسد: «دو پسر او علی اصغر که در سنین بلوغ بود و عمر که چهار ساله بود زنده ماندند» (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۹). این مؤلف از طفلی - بدون ذکر نام - که در عاشورا در دامن پدر هدف تیر قرار گرفت نیز یاد کرده است (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۸).

یعقوبی دیگر مورخ قرن سوم هجری می‌نویسد: «فرزندان حسین عبارت بودند از علی اکبر که فرزندی از وی نماند و در کربلا کشته شد و مادرش لیلی دختر ابومره بن عروه بن مسعود ثقفی است و علی اصغر [سجاد] که مادرش حرار دختر یزدگرد است و حسین او را غزاله نامید» (یعقوبی، بی تا: ۲۴۷/۲). او نیز ضمن پرداختن به چگونگی کشته شدن امام حسین علیه السلام بدون اشاره به نام و جنس از نوزادی از وی که در همان روز به دنیا آمده و در کربلا هدف تیر دشمن قرار گرفت و کشته شد، یاد کرده است (یعقوبی، بی تا: ۲۴۵/۲). بلعمی سجاد علیه السلام را علی اصغر دانسته است و در این زمینه می‌نویسد: «علی اصغر به خیمه اندر خفته بود...» (بلعمی، ۱۳۷۳: ۷۰۹/۴). ابوالفرج اصفهانی علی اکبر، ابوبکر و عبدالله را فرزندان امام می‌داند که در کربلا کشته شدند (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۸۶). او از علی بن حسین [سجاد] نیز یاد کرده که مادرش کنیز بود و به اسارت نیروهای عمر بن سعد درآمد (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۸۶). شیخ مفید متکلم امامی قرن چهارم، چهار پسر را برای امام نام می‌برد: «علی بن حسین (اکبر) [سجاد] که مادرش

۱. صحت و سقم ازدواج امام حسین علیه السلام با شهربانو در این مقاله نمی‌گنجد. کسانی در تأیید (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۸: ۹۰-۱) و افرادی (شهیدی، ۱۳۷۱: ۲۷-۹) هم در تکذیب آن مفصل بحث کرده‌اند.

شاه زنان دختر یزدگرد شاه ایران بود. علی بن حسین (اصغر) که با پدرش در کربلا شهید شد. جعفر بن حسین که فرزندی نداشت و مادرش زنی بود از قبیله قضاعه و جعفر در زمان زنده بودن پدر از دنیا رفت. عبدالله بن حسین که در خردسالی با پدرش در کربلا شهید شد...» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۳۵/۲). تقریباً در همه منابع برکم بودن تعداد فرزندان امام حسین علیه السلام به نسبت پدر و برادرش تأکید شده است. همچنین تقریباً همه منابع هم از نام‌های علی، علی اکبر، علی اصغر و عبدالله یاد کرده‌اند هر چند در اطلاق هر کدام از این نام‌ها بر فرزندان بزرگ و کوچک اباعبدالله علیه السلام اختلاف اندکی مشاهده می‌شود.

نام طفل کوچک امام حسین علیه السلام در مقاتل نخستین

برخی از نویسندگان مقاتل نام این نوزاد را عبدالله ذکر کرده‌اند (ابن رسان، ۱۴۰۶: ۱۵۰؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۸/۵؛ بلعمی، ۱۳۷۳: ۷۱۰/۴؛ مسعودی، بی تا: ۲۶۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۸/۲). خلیفه بن خیاط عصفری (متوفای ۲۴۰) نام او را عبیدالله ضبط کرده است (ابن خیاط، ۱۴۱۵: ۱۴۵). مؤلفانی نیز نام وی را ذکر نکرده‌اند حتی تصریحی بر پسر بودن او ندارند و تنها تأکیدشان بر نوزاد بودن وی هست (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۸؛ یعقوبی، بی تا: ۲۴۵/۲). برخی منابع قرن چهارم به بعد نام علی را برای طفل شیرخواره ذکر کرده‌اند؛ چنان که یکی از آنها جمله «علی فی الرضاء» را نوشته است (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۱۵/۵). اخطب خوارزم (متوفای ۵۶۸) در مقتل خویش نام کودک را علی ذکر کرده است (خوارزمی، ۱۴۱۸: ۳۷/۲). در برخی مقاتل مثل مقتل شیخ صدوق نامی از کودک کوچک حسین بن علی علیه السلام در بین شهدای کربلا نیست. در این مقتل، نام امام سجاد علیه السلام، علی بن الحسین الاکبر (صدوق، ۱۳۸۱: ۲۹۳) یا علی بن الحسین ذکر شده است (همان: ۶۹، ۱۱۶، ۱۵۶، ۱۷۲). علاوه بر این در روایت عزیمت کاروان حسینی در هنگام خروج از مدینه، نام یکی از فرزندان کوچک اباعبدالله الحسین علیه السلام «علی اصغر» نگارش شده است (همان: ۱۲۶).

جدول (۱): نام طفل کوچک امام حسین علیه السلام در منابع تاریخی از آغاز تا قرن هفتم

نام اثر	مؤلف	سال وفات	نام طفل
۱- مقتل الحسین (گردآوری شده از منابع تاریخ طبری)	ابومخنف لوط بن یحیی	۱۵۷	روایت اول و دوم: عبدالله بن حسین روایت سوم: تعبیر به «صبی»
۲- تسمیة من قتل مع الحسین <small>علیه السلام</small>	فضیل بن زبیر بن عمر بن درهم کوفی اسدی	وفات قرن ۲	عبدالله بن حسین

نام اثر	مؤلف	سال وفات	نام طفل
۴- طبقات الكبرى	محمد بن سعد (کاتب واقدی)	۲۳۰	روایت اول: (بدون ذکر نام) روایت دوم: تعبیر به «صبی» روایت سوم: عبدالله بن حسین
۳- تاریخ خلیفه بن خیاط	خلیفه بن خیاط	۲۴۰	عبیدالله بن حسین
۵- انساب الاشراف	احمد بن یحیی بن جابر بلاذری	۲۷۹	عبدالله بن حسین
۱- تاریخ الامم و الملوك	ابوجعفر محمد بن جریر طبری	۳۱۰	عبدالله بن حسین
۷- الفتوح	ابن اعثم کوفی	۳۱۴	علی
۶- الهدایه الكبرى	حسین بن حمدان خصیبی	۳۳۴	عبدالله بن حسین
۵- مقاتل الطالبیین	ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی	۳۵۶	روایت اول و دوم: عبدالله بن حسین تعبیر به «صبی» و «غلام» روایت سوم: تشبیه به «ناقه صالح»
۲- شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار	ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی مغربی	۳۶۵	عبدالله بن حسین
۱۱- تاریخنامه طبری	ابوعلی بلعمی	وفات قرن ۴	عبدالله بن حسین
۱۰- الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (۲) الاختصاص	شیخ مفید	۴۱۳	عبدالله بن حسین
۱۲- رجال الطوسی	شیخ طوسی	۴۶۰	عبدالله بن حسین
۱۳- تاریخ موالید الائمه و وفیاتهم ^۱	عبدالله بن نصر بن خشاب بغدادی	۵۶۷	عبدالله
۱۵- مقتل الحسین <small>علیه السلام</small>	ابوالمؤید موفق بن احمد خوارزمی	۵۶۸	علی الطفل (بدون ذکر اصغر)
۱۴- مناقب آل ابی طالب	ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب	۵۸۸	علی اصغر
۱۶- ترجمه الفتوح	محمد بن احمد مستوفی هروی	۵۹۶	علی اصغر

۱. امام حسین علیه السلام سه دختر به نام‌های زینب، سکینه، فاطمه و شش پسر به نام‌های علی اکبر، علی [امام زین العابدین علیه السلام]، علی اصغر، محمد، عبدالله و جعفر داشت (ابن خشاب بغدادی، ۱۴: ۲۱۰۶).

نام اثر	مؤلف	سال وفات	نام طفل
مثیرالأحزان و منیر سبل الاشجان	نجم الدین جعفر بن محمد حلّی (ابن نما)	۶۴۵	عبدالله بن حسین
مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول ﷺ	محمد بن طلحه دمشقی	۶۵۲	علی اصغر
اللهوف علی قتلی الطفوف	سید رضیالدین علی بن موسی بن جعفر حلّی (ابن طاووس)	۶۶۴	طفل صغیر

براساس آنچه از نصوص فراوان منابع قرن اول تا ششم هجری اعم از مقاتل و منابع بر می آید این است که در روز عاشورا، تنها یک طفل از امام حسین علیه السلام به نام وی عبدالله فرزند رباب به شهادت رسید. همچنین از نام علی اصغر برای کودک خبری نیست. بعد از ابن شهر آشوب و مستوفی هزروی در مقاتل متعددی نام علی اصغر برای طفل شیرخوار اباعبدالله الحسین علیه السلام ذکر شده است.

شهرت طفل کوچک امام حسین علیه السلام به علی اصغر شیرخوار

اولین منبعی که از طفل شیرخواره امام حسین علیه السلام با نام «علی اصغر» یاد کرده، ترجمه فارسی کتاب الفتوح در قرن ششم هجری است. ابن اعثم کوفی در متن عربی کتاب در قرن چهارم هجری برای کودک شیرخواره نام علی را ذکر کرده است در حالی که مستوفی هزروی مترجم فارسی برای تمیز دادن سه فرزند امام حسین علیه السلام از یکدیگر، علی شیرخواره ذکر شده در متن اصلی عربی الفتوح را علی اصغر نامیده است (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۹۰۸). ابن اعثم چنین گزارش می کند که امام حسین علیه السلام جلوی خیمه آمد و گفت: آن طفل را بدهید تا با او وداع کنم. سپس آن کودک را به دست او دادند. پس خواست تا او را ببوسد، در حالی که می گفت: ای فرزندم! وای بر این گروه، در آن وقتی که جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله دشمن آنها باشد. پس ناگاه تیری آمد و در گلوئی آن طفل خورد و او را کشت. پس حسین علیه السلام از اسب خود پایین آمد و با غلاف شمشیر خود، برای او قبری حفر کرد و آن طفل را به خونش آغشته کرد و بر او نماز خواند و دفنش کرد» (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۱۵/۵).

در همان قرن ابن شهر آشوب هم از اسم علی اصغر برای فرزند شیرخواره امام حسین علیه السلام یاد کرده است: «حسین علیه السلام [پس از شهادت علی اکبر علیه السلام] تنها ماند و در دامانش علی اصغر بود. پس تیری به سوی کودک رها شد و به گلوئی او رسید. پس حسین علیه السلام آن خون را از نحرش می گرفت و به طرف آسمان می پاشید و چیزی از آن باز نمی گشت و می گفت: «پروردگارا! این

کودک بر تو از شتر صالح کمتر نیست!» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲: ۲/۲۲۲ و ۴/۱۱۸). بعد از مستوفی هزوی در مقاتل متعددی نام علی اصغر برای طفل شیرخوار حسین بن علی علیه السلام ذکر شده است و تدریجاً این نام برای آن نوزاد و یا طفل شش ماهه جزو بدیهیات شد. در حالی که آنچه که از نصوص فراوان منابع قرن اول تا پنجم هجری اعم از مقاتل و غیرمقاتل برمی آید این است که از نام علی اصغر برای نوزاد شیرخواره خبری نیست. همچنین تأکید بر شش ماهگی وی هم در هیچکدام از مقاتل نخستین ذکر نشده است.

نام علی اصغر به دلیل خلطی که در ذکر اسامی فرزندان امام حسین علیه السلام در مقاتل ایجاد شده بود و برای تمیز دادن علی ها از یکدیگر مطرح شده است. تعبیر علی اصغر برای امام سجاد علیه السلام را برخی نویسندگان دوران غیبت صحیح نمی دانسته اند؛ چه در اصول امامیه و در اوج نگارش کتاب های کلامی شیعه بر امامت فرزند بزرگ امام قبلی تأکید شده است. اشتباه ناسخان نیز باعث تحریف در نام ها مثل عقبه، عتبه و خلط نام راوی و ضارب در برخی گزارش ها شده است. همچنین وجود برخی مجهولات، همواره نویسندگان را به سمت احتمالات سوق داده و در مواردی منجر به حدس کرده است. این حدس ها در نسل های بعد تبدیل به یقین و ایجاد جعل در مقاتل شده است.

فلسفه حضور نوزاد امام حسین علیه السلام در خط مقدم جنگ

چگونه اباعبدالله الحسین علیه السلام نوزادش را در برابر تیر و شمشیر دشمن قرار داد؟ بر اساس دیدگاه و نوع قرائتی که مقاتل در طول تاریخ از انگیزه قیام امام حسین علیه السلام متصور بودند به این سوال پاسخ های گوناگون داده اند. مقتل نویسان متأخر از بُعد عرفانی و داستانی و خیالی بدان پرداخته اند. بر اساس مقاتل نخستین، گزارش های متفاوتی درباره فلسفه این اقدام امام حسین علیه السلام مطرح شده است. در تاریخ یعقوبی شیعی آمده است زمانی که اباعبدالله الحسین علیه السلام تنها شد و همه صحابه او کشته شدند، سوار بر اسب خویش بود که نوزادی را که در همان ساعت برای او تولد یافته بود به وی دادند پس در گوش وی اذان گفت و کام او را بر می داشت که تیری در گلوی کودک نشست (یعقوبی، بی تا: ۲/۲۴۵).

بر اساس این گزارش، قصد زنان داخل خیمه که نوزاد را به امام حسین علیه السلام سپردند، مسلمان کردن نوزاد بوده است چه برای زنان داخل خیمه ها مهم بود امام قبل از کشته شدنش اذان گوش نوزاد تازه به دنیا آمده اش بخواند. بر اساس نقل ابن رسان هم کودک اباعبدالله الحسین علیه السلام در حین جنگ به دنیا آمد و تفاوت او با نقل یعقوبی این است که وی می نویسد: زمانی که حسین کام وی را برداشت نام عبدالله را بر نوزاد گذاشت (ابن رسان، ۱۴۰۶: ۱۵۰).

ابوحنیفه دینوری می‌نویسد: «حسین همچنان مدتی نشسته بود و اگر می‌خواستند او را بکشند می‌توانستند ولی هر قبیله اقدام به آن کار را به قبیله دیگر واگذار می‌کرد و کشتن حسین را خوش نمی‌داشت» (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۸؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۸/۵). زمانی که اباعبدالله الحسین علیه السلام تنها و در پیشاپیش خیمه‌ها حضور داشت: «بر زمین نشست و کودک کوچک خود را خواست و او را در دامن نشاند» (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۸). به نظر می‌رسد براساس گزارش دینوری اباعبدالله الحسین علیه السلام در آن لحظات تنهایی دل‌تنگ کودک کوچک خود شده بود و به همین دلیل خواست تا کودک را به وی دهند. طبری به نقل از ابی مخنف و او از امام محمدباقر علیه السلام نقلی مشابه دینوری دارد، با این تفاوت که او می‌نویسد: «چون حسین نشست کودک وی را که پنداشته‌اند عبدالله بن حسین بود آوردند که در بغل گرفت» (طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۸/۵). براساس این روایت کودک را به نزد وی آوردند نه این که امام درخواست کرده باشد که کودک را بیاورند و نام کودک هم با احتمال و گمان ذکر شده است. ابن سعد مؤلف طبقات حضور کودک در کنار امام را ناخواسته و البته به طور ضمنی سنش را بالاتر از دوران شیرخوارگی دانسته و چنین نوشته است: «حسین در حالی که جبه خاکستری^۱ به تن داشت برابر خیمه خود نشسته بود. در این هنگام پسری از پسران حسین دوان دوان آمد و بر دامن حسین نشست» (ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه/۱/۴۷۱) و در روایتی دیگر بدون ذکر دلیل آمدن کودک به نزد امام چنین نوشته است: «تیرها بر چپ و راست او فرو می‌بارید و پسرک سه ساله‌ای از او کنارش بود» (ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه/۱/۴۷۰).

شیخ مفید در کتاب /رشاد گزارشی شبیه گزارش ابن سعد را ذکر کرده است «عبدالله بن حسین که کودک بود نزد او آمد آن حضرت او را در دامن خود نشاند» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۸/۲). ابن اعثم کوفی می‌نویسد امام از اهل خیمه خواست تا کودک شیرخواره‌اش را به وی دهند تا با او وداع کند (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۱۵/۵). مشابه این نقل را اخطب خوارزم در مقتلش ذکر کرده است (خوارزمی، ۱۴۱۸: ۳۷/۲). اول بار در قرن ششم هجری مترجم /الفتوح یعنی مستوفی هروی بحث طلب آب برای فرزند شیرخواره را مطرح می‌کند: «طفل شیرخوار خود را که علی اصغر نام داشت و از تشنگی اضطراب می‌نمود در پیش زین گرفته میان دو صف برد و آواز برآورد ای قوم اگر به زعم شما من گناهکارم این طفل گناهی نکرده او را جرعه‌ای آب دهید» (ابن اعثم کوفی،

۱. تورستن هایلن که ساختار روایت طبری از واقعه کربلا را مورد کنکاش قرار داده از تقابل نوع لباس امام حسین علیه السلام در موقعیت‌های متفاوت، احتمال داده است طبری براساس ذائقه خودش گزارش ابی مخنف را تغییر داده باشد (torsten hylen, 2007: 117-120).

۱۳۷۲: ۹۰۸).

با این همه به نظر می‌رسد طفل شیرخواره امام تازه به دنیا آمده بود و اهل بیت علیهم‌السلام وی می‌خواستند اباعبدالله الحسین علیه‌السلام قبل از کشته شدنش یکبار هم که شده فرزند کوچکش را ببیند و در آن لحظات تنهایی با او وداع کند یا این که در گوش او اذان بگوید؛ یا این که کودک که سنی بالاتر از سن شیرخوارگی داشت در آن شرایط سخت و شیون زنان از میان آنان و از داخل خیمه به سمت پدرش دویده است، بدون این که اباعبدالله الحسین علیه‌السلام یا اهل بیت علیهم‌السلام وی، کودک را در معرض خطر قرار داده باشند. در میانه جنگ و بعد از کشته شدن همه یاران امام چنین شرایطی وجود داشته است چه در آن لحظات لشکر دشمن از کشتن اباعبدالله الحسین علیه‌السلام طفره می‌رفتند و هیچ کدام از قبایل نمی‌خواست کشته امام باشد و این کار را به دیگری واگذار می‌کردند.

هویت قاتل طفل کوچک امام حسین علیه‌السلام

درباره ضارب و قاتل کودک کوچک اباعبدالله الحسین علیه‌السلام نیز روایت یکسانی وجود ندارد و تنها شباهت گزارش‌ها اصابت تیر به کودک و کشته شدن وی بر اثر آن است. بنا به نقل ابی مخنف که قدیمی‌ترین گزارش مکتوب از او از طریق طبری باقی مانده است، شخصی از بنی اسد ضارب بوده است. در گزارش ابی مخنف روایت از زبان شخصی اسدی به نام عقبه نقل شده است. در آن روایت ابوجعفر محمد باقر به عتبه بن بشیر اسدی می‌گوید: «یکی از شما بنی اسد تیری بزد و گلوی او را درید» (طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۸/۵). طبری در صفحاتی دیگر از کتابش باز هم به نقل از ابی مخنف از طریق هشام بن محمد کلبی و ابن سعد در طبقات و در ضمن یاد کرد از کشته شدگان هاشمیان که همراه با امام در کربلا کشته شدند، هانی بن ثبیت را قاتل عبدالله بن حسین علیه‌السلام می‌دانند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۷/۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۱/۴۷۶). دینوری، بلعمی^۱ و مفید^۲ به صورت نکره از ضارب یاد کرده و تنها گفته‌اند که مردی از بنی اسد تیر انداخت (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۸). اسم عتبه بن بشیر راوی در روایت ابی مخنف به صورت تحریف شده یعنی عقبه بن بشر، در گزارش ابن سعد، شیخ مفید و بلعمی به عنوان قاتل و تیرانداز ذکر شده است (ابن سعد، ۱۴۱۴: خامسه ۱/۴۷۰؛ بلعمی، ۱۳۷۳: ۷۱۰/۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۸/۲).

۱. بلعمی بر خلاف سایرین از اصابت تیر به گوش کودک و نه به گلوی او یاد کرده است: «مردی از بنی اسد، تیری بینداخت به گوش آن کودک فرو شد و همان گاه بمرد» (بلعمی، ۱۳۷۳: ۷۱۰/۴).
۲. «آن گاه مردی از بنی اسد تیری به سوی عبدالله انداخت و او را کشت» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۸/۲).

در گزارش بلاذری در کتاب *انساب الاشراف* و ابن رسان، از حرمله بن کاهل^۱ اسدی والبی که از تیراندازان بنام بود به عنوان قاتل کودک یاد شده است (بلاذری، ۱۴۲۰: ۲۰۱/۳؛ ابن رسان، ۱۴۰۶: ۱۵۰). اما طبری تیرزدن حرمله را تنها در تیرانداختن به سمت پسر عموی پسر امام حسین علیه السلام یعنی عبدالله بن حسن علیه السلام ذکر می‌کند. وی می‌نویسد: حرمله بن کاهن با تیر، عبدالله بن حسن علیه السلام را به قتل رساند^۲ (طبری، ۱۳۸۷: ۴۶۸/۵). اصفهانی هم دیدگاهی مشابه را مطرح می‌کند (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۹۳). به تبعیت از آن دو ابن نما حلی نیز حرمله را قاتل عبدالله بن حسن علیه السلام و نه فرزند کوچک امام حسین علیه السلام دانسته است (ابن فهد حلی، ۱۴۰۶: ۷۳-۷۴).

برخی از مقاتل نویسان هم نه تنها به نام ضارب بلکه به نام قبیله او هم اشاره نکرده‌اند و ظاهراً برایشان به اثبات نرسیده است که تیرانداز از کدام قبیله بوده است. تنها در گزارش آنها آمده است که «یکی از آن گروه تیری به سوی آن حضرت روان کرد» (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۹۰۸). از قرن ششم به بعد نام حرمله بن کاهل به عنوان قاتل کودک شیرخوار در اکثریت مقاتل دیده می‌شود. چنان‌که اخطب خوارزمی نام وی را آورده است. اباعبدالله الحسین علیه السلام به جلوی خیمه‌گاه آمد و فرمود: «علی، طفلم را بیاورید تا با او خداحافظی کنم!» پس کودک را در آغوش گرفت و فرمود: «وای بر این قوم، هنگامی که جد تو، محمد صلی الله علیه و آله و سلم دشمن آنها باشد!» سپس در همین لحظه حرمله بن کاهل اسدی والبی، تیری در کمان نهاد و به طرف طفل شیرخواری که در آغوش امام بود پرتاب کرد. پس طفل را ذبح کرد، در حالی که در آغوش امام بود. سپس امام حسین علیه السلام دستانش را از خون طفل پر کرده و به طرف آسمان می‌پاشید و می‌گفت: «خداوند! اگر یاری‌ات را از ما باز داشتی، پس آن را به آنچه که برایمان بهتر است قرار بده!» سپس امام از اسب خود پایین آمد و با غلاف شمشیر قبری کند و آن طفل را به خون خود آغشته کرد [و او را دفن نمود] و براو درود فرستاد (خوارزمی، ۱۴۱۸: ۳۷/۲).

سید بن طاووس بدون ذکر منبع و بدون نام بردن از راوی در قرن هفتم در *کُھوف* می‌نویسد: «حرمله بن کاهل اسدی تیری پرتاب کرد که به گلوی کودک رسید و گوش تا گوش او را برید» (سید بن طاووس، ۱۴۱۷: ۱۳۵). بنی اسد در کربلا کم نبودند. شش سر از شهدای کربلا بر نیزه‌های آنان بود و البته کسانی از آنان مثل مرقع بن ثمامه اسدی که طرفدار اباعبدالله

۱. در تاریخ طبری و الکامل فی التاریخ ابن اثیر (متوفای ۶۳۰ هـ) به جای حرمله بن کاهل، حرمله بن کاهن نیز ذکر شده است.
۲. طبری در ذکر قیام مختار به کشته شدن حرمله بدست یاران مختار اشاره کرده است به سبب این که حرمله، جوانی از خاندان امام حسین علیه السلام و نه طفلی از آن خاندان را کشته بود (طبری، ۱۳۸۷: ۶۵/۶).

الحسین علیه السلام و تیرانداز بود توسط اسدیان حاضر در سپاه عمر سعد از کشته شدن نجات یافتند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۵۴/۵). افرادی از این قبیله که در نزدیکی منطقه کربلا ساکن بودند، بعد از رفتن نیروهای عمر بن سعد جنازه شهدای کربلا را دفن کردند.

آنچه که از مجموع گزارش‌ها در این زمینه می‌توان فهمید این است که هویت ضارب اصلی مشخص نیست و از تیرهایی که از راست و چپ می‌آمده یک تیر به کودک اصابت کرده است. در زمان تیر خوردن کودک، تیرها از ناحیه قبیله بنی اسد پرتاب می‌شده است و به همین دلیل هم ابوجعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام از قبیله بنی اسد و نه شخص خاصی از آن قبیله شاکی بوده است. با توجه به این که حرمه بن کاهل اسدی تیراندازی ماهر بود و در قتل برخی یاران امام علیه السلام هم نقش داشت بعدها این شائبه ایجاد شد که شاید پرتاب کننده تیر به سوی کودک اباعبدالله الحسین علیه السلام، حرمه است. به همین دلیل تدریجاً نام او به عنوان قاتل کودک شیرخواره به مقاتل راه یافته و در مقاتل متأخر نطق‌های زیادی هم به وی نسبت داده شده است. تا جایی که کشتن فرزند شیرخواره اباعبدالله الحسین علیه السلام در مقاتل بعد از قرن دهم سبک داستانی به خود گرفته است.

برنگشتن خون طفل شیرخواره از آسمان

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت آن است که پس از تیر خوردن فرزند شیرخواره اباعبدالله الحسین علیه السلام و دریده شدن گلوی او سخنانی از طرف اباعبدالله الحسین علیه السلام بیان شد و اتفاقاتی افتاد که ذکرش در منابع مقاتل و غیر آن یکسان نیست. بنا به نقل ابی مخنف که قدیمی‌ترین گزارش مکتوب واقعه طف از وی باقی مانده: «حسین خون او را بگرفت و چون کف وی پر شد آن را به زمین ریخت و گفت: پروردگارا اگر پیروزی آسمان را از ما باز گرفته‌ای چنان کن که به سبب خیر باشد و انتقام ما را از این ستمکاران بگیر» (طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۸/۵).

گزارش ابومخنف توسط مقاتل نویسان بعدی و از جمله ابن سعد در طبقات و مفید در ارشاد ذکر شده و تدریجاً این گزارش در قرون متأخر بعدی تحریف شده و تغییر و تبدیل‌هایی در آن راه یافته است. در مقاتلی مثل دینوری که حس مذهبی روشنی بر آن حکمفرما نیست و خلیفه بن خیاط که عثمانی مذهب و بصری است در این باره سخنی از امام نقل نشده است. یعقوبی شیعی مذهب در این باره چنین نوشته است: «حسین تیر را از گلوی کودک کشید و در حالی که او را به خون آغشته می‌ساخت گفت: به خدا سوگند تو از ناقه بر خدا گرامی‌تر و محمد هم از صالح بر خدا گرامی‌تر است»^۱ (یعقوبی، بی‌تا: ۲۴۵/۲).

۱. به روایتی از پیامبر اسلام درباره شقی‌ترین پیشینیان و شقی‌ترین پسینیان اشاره دارد. ابن ابی الحدید و دیگران روایتی را از

بلعمی^۱ که در قرن چهارم ترجمه‌ای آزاد از طبری به فارسی انجام داده در این باره چنین نوشته است: «حسین آن کودک از کنار بنهاد و گفت إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ یارب مرا به این مصیبت شکیبایی ده» (بلعمی، ۱۳۷۳: ۷۱۰/۴). گزارش ماورائی اتفاقات بعد از تیر خوردن طفل شیرخواره امام در مقاتل متأخر بسیار زیاد است. در مقاتل متقدم نیز کم و بیش گزارش‌هایی در این باره وجود دارد. مقاتلی که مستقیم از طریق راویان شاهد ماجرا، حادثه عاشورا را گزارش کرده‌اند در این باره مطلبی ذکر نمی‌کنند. در مقاتل سه قرن اول در این باره گزارشی نیست. اول بار ابن رسان زیدی مذهب^۲ بدون ذکر نام راوی (ابن رسان، ۱۴۰۶: ۱۵۰) و پس از او ابوالفرج اصفهانی زیدی مذهب (متوفای ۳۵۶) خبری ماورائی از این ماجرا نقل کرده‌اند. ابوالفرج می‌نویسد: «محمد بن سعید اشنانی به سندش از مورع بن سوید بن قیس روایت کرده که او از یکی از حاضرین در واقعه کربلا روایت کرده... حسین در آن حال خون از گلوگاه او می‌گرفت و به سوی آسمان می‌پاشید و قطره‌ای از آن باز نمی‌گشت و می‌گفت خدایا این کودک در نزد تو از بچه ناقه صالح کمتر نیست» (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۹۵). سلسله راویان او در ذکر این خبر، از راویان ابی مخنف متفاوت است. چنان‌که راوی اصلی و شاهد ماجرا گمنام است و با تعبیر «حدثنا من شهد الحسین» از راوی یاد شده است (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۹۵).

ابن اعثم (متوفای ۳۱۴) که به نسبت مقاتل قبل از خود خطبه‌های بیشتری از حسین درباره واقعه طف گزارش کرده و خواب‌ها و روی‌هایی صادقانه را نیز ذکر کرده است، از برنگشتن خون طفل، ذکری به میان نیاورده است. حتی در ترجمه آزاد مستوفی هِزوی قرن ششمی هم سخنی از آن نیست. در ترجمه مستوفی تنها از کشته شدن کودک یاد شده است: «حسین تیر را بیرون آورد و هم در آن ساعت طفل جان بداد آن سرور آن طفل را آورد و به مادرش داد و فرمود بگیر فرزند خود را که از حوض کوثر سیراب شد» (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۹۰۸). روایت‌های^۳

رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند که به امام علی علیه السلام فرمود: آیا می‌دانی بدبخت‌ترین پیشینیان کیست؟ عرضه داشت آری آنکه ناقه صالح را بی‌کس کرد. فرمود آیا می‌دانی بدبخت‌ترین پسینیان کیست؟ عرضه داشت نه فرمود آن کس که بر سرت ضربه می‌زند و ریش تو را خضاب می‌کند (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۱۱۷/۹). در اینجا مراد تأکید بر بدبخت بودن کسانی است که به کودک بی‌گناه از اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تیر زدند و خون وی را ریختند.

۱. بلعمی به منابع و اسنادی غیر از کتاب طبری هم دسترسی داشته و در تنظیم متن ترجمه از آنها هم سود جسته است.

۲. او در قیام زید و به نقلی در قیام نفس الزکیه کشته شده است (ابن رسان، ۱۴۰۶: ۱۳۳).

۳. در قرن چهارم در کتاب ابن اعثم بر خلاف مقاتل قرن دوم و سوم برای اولین بار، گزارش خواب دیدن‌ها باب می‌شود. فروپاشی اقتدار خلافت بنی عباسی و پیدایش حکومت‌های نیمه مستقل و تا حدودی ماورائی شدن ماجرای کربلا در نبود ائمه و رشد غالیان در این امر مؤثر بوده است. زمانی امامان در جامعه حضور داشتند با غلو به شدت مبارزه می‌کردند و تقریباً یک اصل مشترک در بین تمام امامان مبارزه با غلو است. ولی در دورانی که غیبت شروع شد غلو به راحتی در جامعه

ذکر شده در *الفتوح* قابل قیاس با روایت های مقاتل بعد از قرن هفتم نیست و در واقع بسیار کمتر و محدودتر از آن است. خبر ماورائی «برنگشتن خون طفل شیرخواره حسین از آسمان» از بین مقاتل چهار قرن اول تنها در *مقاتل الطالبيين* اصفهانی ذکر شده است. حتی *مقتل الحسين* اخطب خوارزمی در قرن ششم نیز که برخی اخبار ماورائی و ناهماهنگ با مقاتل قرون اولیه را روایت کرده، برنگشتن خون کودک اباعبدالله الحسین علیه السلام از آسمان را روایت نکرده است (خوارزمی، ۱۴۱۸: ۳۷/۲).

روایت «برنگشتن خون کودک اباعبدالله الحسین علیه السلام به زمین»، صرفاً در دو مقتل متقدم نقل شده و روای این روایت در آن دو نیز نامشخص است. در روایات ابو جعفر باقر علیه السلام و دیگر مقاتل متقدم شیعی نیز که به تفصیل ماجرای تیر خوردن نوزاد را گزارش کردند از این روایت خبری نیست. از این رو روایت «برنگشتن خون کودک اباعبدالله الحسین علیه السلام به زمین» دچار اشکال است.

نتیجه

بر اساس گزارش نخستین مقاتل که گزارش واقعه عاشورا را از زبان حاضران در صحنه کربلا اعم از طرفداران امام حسین علیه السلام و مخالفان وی بیان کرده اند، روشن می شود که طفل کوچک اباعبدالله الحسین علیه السلام در ماجرای کربلا به نام علی اصغر معروف نبود و در آن زمان یا هنوز نامی برای وی انتخاب نشده و یا این که عبدالله نام داشته است. اگر هم به علی معروف بوده پسوند اصغر را نداشته و از قرن ششم به بعد تدریجاً در محافل، مجالس و مقاتل به علی اصغر شش ماهه معروف شده است. بنابراین، عبدالله رضیع، ملقب به علی اصغر، تنها طفل شیرخوار شهید امام حسین علیه السلام در روز عاشورا است. هدف اباعبدالله الحسین علیه السلام از بغل گرفتن کودک گفتن اذان در گوش او و دلتنگی برای کودک بوده و یا این که خود کودک بدون این که اباعبدالله الحسین علیه السلام و اهل خیمه بخواهند به سمت اباعبدالله الحسین علیه السلام دویده و در معرض تیر دشمن قرار گرفته است. امام حسین علیه السلام کف دستش را پس از شهادت نوزاد یا کودکش از خون وی پر کرده و در بزرگ بودن این گناه لشکر عمر بن سعد سخنانی متأثر از روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفته است اما صرفاً در دو منبع متقدم آن هم از یک راوی نامعلوم بحث پرتاب خون به آسمان توسط اباعبدالله الحسین علیه السلام و برنگشتن آن به سمت زمین مطرح شده است و به نظر می رسد که این بخش از روایت فوق بر ساخته دست جاعلان باشد.

منابع

- ابن ابی الحدید (۱۳۳۷ق)، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی.
- ابن اعثم کوفی، ابومحمداحمد (۱۴۱۱ق)، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء.
- _____ (۱۳۷۲)، کتاب الفتوح، ترجمه مستوفی هروی، مصصح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن خشاب بغدادی، عبدالله بن نصر (۱۴۰۶ق)، تاریخ الموالید الأئمة و وفیاتهم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن خیاط، ابوعمرو (۱۴۱۵ق)، تاریخ خلیفه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن رسان، فضیل بن زبیر (۱۴۰۶ق)، تسمیه من قتل مع الحسین علیه السلام، محقق محمدرضا حسینی جلالی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۴ق)، طبقات الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۱۲ق)، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دارالاضواء.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۷ق)، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ابن طلحه شافعی، کمال الدین محمد (۱۴۲۰ق)، مطالب السؤل فی مناقب الرسول، تحقیق ماجد بن احمد عطیه، چاپ اول، بیروت، مؤسسه ام القرى.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۶ق)، مشیرالأحزان، قم، مدرسه الامام المهدی.
- ابن نما حلّی، نجم الدین جعفر بن محمد (۱۳۶۹ق)، مشیرالأحزان و منیر سبیل الاشجان، نجف، منشورات المطبعة الحیدریه.
- اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین (۱۳۸۵ق)، مقاتل الطالبیین، با مقدمه کاظم مظفر، قم، مؤسسه دارالکتاب.
- بارانی، محمدرضا؛ علمدار، حسین شاه (۱۳۹۳)، «بررسی تطور گزارش های تاریخی شهادت کودک امام حسین علیه السلام؛ از آغاز تا پایان قرن پنجم»، سخن تاریخ، سال ۷، شماره ۱۹، صص ۵۷-۷۹.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۲۰ق)، انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر.
- بلعمی، ابوعلی (۱۳۷۳)، تاریخنامه طبری، گردانیده منسوب به بلعمی، تهران، البرز.

- تمیمی مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد (بی تا)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، الهدایة الكبرى، بیروت، مؤسسه البلاغ.
- خوارزمی، ابوالمؤید موفق بن احمد (۱۴۱۸)، مقتل الحسين علیه السلام، تحقیق محمد سماوی، قم، دارانوار الهدی.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۹۶۰)، اخبار الطوال، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة، الطبعة الاولى.
- رنجبر، محسن (۱۳۸۵)، «پژوهشی درباره نام، سن و کیفیت شهادت طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام»، تاریخ درآینه پژوهش، شماره ۱۲، صص ۷۱-۹۰.
- رنجبر حسینی، محمد؛ فرحزادی، فاطمه (۱۳۹۷)، «منطق خون در قیام امام حسین علیه السلام با نگاهی بر شهادت علی اصغر علیه السلام»، پژوهشنامه معارف حسینی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۷-۲۵.
- سلیمانی بروجردی، علی (۱۳۸۹)، تحقیقی جامع پیرامون سه طفل شهید سیدالشهداء علیهم السلام در کربلا: علی اصغر، عبدالله رضیع، علی رضیع علیهم السلام، قم، دارالتفسیر.
- شیخ طوسی (۱۴۱۵ق)، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- شیخ مفید (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- _____ (بی تا)، الاختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، منشورات الجماعة المدرسین.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۱). زندگانی علی بن حسین علیهم السلام، تهران، مرکز نشر فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۱ش)، مقتل الحسين علیه السلام، تهران، نشر هستی نما.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، تاریخ الطبری، بیروت، دارالتراث، ط. الثاني.
- علوی علی آبادی، فاطمه سادات (۱۳۹۷)، «بازشناسی طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام در مقاتل و منابع»، پژوهشنامه معارف حسینی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۲۷-۵۰.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۶۶)، قابوس نامه، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- کوفی اسدی، فضیل بن زبیر بن عمر بن درهم (۱۴۰۶ق)، «تسمیة من قتل مع الحسين علیه السلام»، تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی، فصلنامه ترانتا، شماره ۲.

- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (بی تا)، *التنبیه و الاشراف*، القاہرہ، دارالصاوی .
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفہ حجج اللہ علی العباد*، قم، کنگرہ جہانی شیخ مفید.
- میرشاهی، سینا (۱۳۹۷)، «بازتاب شہادت حضرت علی اصغر علیہ السلام در تاریخ نگاری عاشورا (با تکیہ بر منابع عصر حاضر)»، *پژوهشنامہ معارف حسینی*، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۵۱-۶۸.
- مہدوی دامغانی، احمد (۱۳۸۸)، «گفتار دربارہ مادرگرامی و نژادہ و شاہزادہ حضرت امام علی بن الحسین السجاد علیہ السلام»، *نشریہ آینہ میراث*، دورہ جدید، سال ہفتم، ضمیمہ شماره ۱۶، صص ۱-۸۴.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، *التاریخ الیعقوبی*، بیروت، دارصار.
- Torsten Hylén, Husayn (2007). *the Mediator: A structural Analysis of the karbala Drama accordin to Abu jafar muhammad b. jarir al-Tabari* (d. 310/923), Uppsala universitet.